

## تک فرزندی، بایدها و نبایدها

روزنامه خراسان: مسئله تک فرزندی موضوع جدیدی نیست اما شاید هیچ زمان به این اندازه در خانواده های ایرانی مطرح نشده باشد. بیشتر زوج های جوان پس از گذشت چند سال از زندگی مشترک، تصمیم به بچه دار شدن می گیرند و ترجیح می دهند جمع خانواده ۳ نفره خود را محفوظ نگه دارند. بیشتر زوج های شاغل مجبور به سپردن فرزند دختر یا پسر خود به مهدکودک می شوند. آن ها با مقایسه وضعیت خود با خانواده های چند فرزند به سرعت درمی یابند هر فرزند از راه رسیده حداقل ۳ تا ۴ سال وقت و انرژی آن ها را می گیرد. همچنین توصیه دیگران به اختصاص تمام بودجه و امکانات برای یک فرزند آن ها را وسوسه می کند که تمام تلاش خود را برای تنها فرزندشان انجام دهند و خیال خود را آسوده کنند و توصیه برخی را مبنی بر نیاز کودک به یک برادر یا خواهر نادیده بگیرند. این دلایل و دلایل متعدد دیگر از جمله مسائل اقتصادی، وضعیت مسکن که با افزایش تعداد اعضای خانواده اجاره مسکن را دشوارتر می کند، ترس از مشکلات آینده، مشکلات تحصیلی و غیره بسیاری از زوج ها را از فکر داشتن فرزند دوم منصرف می کند. در این باره با حجت الاسلام فلاح کارشناس مسائل خانواده به گفت و گو پرداختیم. وی در این باره گفت: در مقطعی دولت و کارگزاران نظام به این تصمیم رسیدند که باید مانع افزایش جمعیت شد و با تلاش رسانه ها، مطبوعات و غیره موضوع کنترل جمعیت عنوان شد. در حالی که در زمان جنگ خلاف این موضوع تبلیغ شد و این رویه ای است که در تمام کشورها رخ می دهد و زمانی که کشوری جنگ طولانی را پیش بینی می کند، تشویق به افزایش زاد و ولد می کند. سیاست کنترل جمعیت در لایه های عمیق جامعه تاثیرگذار بود و توانست تعداد زیادی از مردم را همراه خود کند. از سوی دیگر باورها و خواست مردم هم در این موضوع مداخله داشت و بعد از آن کم کم ذهنیت فرزند کمتر، زندگی بهتر ریشه دار شد. مسائل مختلف اقتصادی، تربیتی، فکری، عقیدتی و غیره همه چیز دست به دست هم داد تا فرزند کمتر یا حتی تک فرزندی رواج بیشتری پیدا کند تا به امروز که به نظر می رسد تک فرزندی یک پدیده عادی شده است و بسیاری از زوج ها این دیدگاه را با قطعیت پذیرفته اند که تک فرزندی دیدگاه درستی است و بهترین شیوه است. وی با اشاره به این که بسیاری از زوج ها هنوز به شناخت درستی از یکدیگر نرسیده دارای فرزند می شوند، می افزاید: این چنین خانواده هایی را نمی توان به داشتن فرزند زیاد توصیه کرد؛ زن و شوهری که همیشه با هم دعوا می کنند، اصلا نباید بچه دار شوند. البته این حکم کلی را نمی توان برای تمام خانواده ها داد. از سوی دیگر برخی خانم ها توان جسمی ندارند و نباید بیش از یک یا ۲ زایمان داشته باشند. بنابراین برای داشتن فرزند بیشتر باید ملاک های متفاوتی را در نظر گرفت و در شرایط ایده آل باید به داشتن فرزند بیشتر فکر کرد. از سوی دیگر جواد بهادرخان یکی از کارشناسان مرکز بهزیستی مشهد در این باره گفت: از دیدگاه روان شناسی زمانی که فرزند دوم وارد خانواده می شود، فرزند اول احساس می کند کنار گذاشته می شود و مزاحمی برای او پیدا شده است؛ از این رو یک نوع کاستی را تجربه می کند. به این دلیل توصیه می شود فاصله بچه دار شدن بیشتر باشد تا این احساس کاستی در فرزند اول کمتر شود. اما بچه تک فرزند چون تنهاست نمی تواند ارتباطی با همسالان خودش برقرار کند و چه بسا در جمع دوستان

یا مدرسه ممکن است شخصیت بزرگسالی پیدا کند و در کودکی بچگی نکند و رفتار بزرگسالی از خود بروز دهد. اگر والدین به این دلیل که فقط یک فرزند دارند، در محبت ورزیدن افراط نکنند، فرزند آن ها متعادل بار می آید و گرنه فرزند پرتوقعی می شود که همه چیز را برای خودش می خواهد. به گفته وی طبق بررسی ها، در جامعه بیشتر افرادی که آسیب می بینند، بچه های اول یا تک فرزند هستند این موضوع به این دلیل اتفاق می افتد، که از یک طرف تجربه پدر و مادر کمتر است و از یک طرف تمام انرژی پدر و مادر صرف تنها فرزند می شود، اما تلاش آن ها نتیجه عکس می دهد. در مجموع اگر والدین روش صحیح تربیت فرزند را بدانند تک فرزندی با داشتن چند فرزند تفاوتی نمی کند زیرا تک فرزندها جایگزین می یابند، با همسالان خود ارتباط برقرار و خلاء ارتباطی را پر می کنند.

محبت افراطی یا سختگیری افراطی یا کنترل افراطی به سلامت روحی تک فرزندان آسیب می رساند؛ زیرا از یک طرف اراده او خدشه دار و از طرف دیگر توقع او زیاد می شود. تعدیل رفتار والدین دارای تک فرزند کلید حل مشکل است. مشکل اصلی این است که بسیاری از والدین تک فرزند نمی دانند خلاءهای ارتباطی فرزندشان را چگونه پرکنند. به گفته بهادرخان تک فرزندی که کانون توجه خانواده هستند، در مقاطع تحصیلی هم دچار مشکل می شوند و دائم دچار اضطراب و استرس هستند. وی درباره والدینی که ناخودآگاه تمام توجه و تمرکزشان روی تنها فرزندشان معطوف شده است، گفت: انسان حق انتخاب دارد. یکی از مهارت های اساسی زندگی خودآگاهی است. افراد باید هوشیاریشان را تقویت کنند نه این که از خود رفع تکلیف کنند. انسان باید از خودش مراقبت لحظه ای داشته باشد. پیامبر(ص)، نگاهش را بین اصحابش تقسیم می کرد یعنی از نگاهش هم مراقبت می کرد. بنابراین نمی توان با کلمه خودآگاه از خود رفع تکلیف کرد. والدین باید توجه انتخابی داشته باشند یعنی به صورت کنترل شده به تک فرزند خود توجه کنند. بهادرخان ادامه داد: از آن جایی که خانواده الگوی کوچکی از جامعه است، افزایش خانواده های کم فرزند طبیعی نیست. زیرا در یک خانواده ۴-۵ نفره، همه یاد می گیرند باید قدرت انطباق و سازگاریشان را بالا ببرند و تقویت کنند، در حالی که سیستم خانواده های تک فرزند متفاوت است و این که بعضی خانواده ها حاضر نیستند از حالت تک فرزندی خارج شوند، تفکر نادرستی است. زیرا خداوند در قرآن فرموده است: «لقد خلقنا الانسان فی کبد» یعنی انسان باید در سختی و رنج باشد تا به رشد برسد و داشتن فرزند بیشتر با وجود سختی های بسیار، انسان را به رشد می رساند. آنچه ضروری است این که بدانیم برای داشتن یک زندگی سالم مهارت های زندگی را به عنوان اولویت اول، مهارت های همسرگزینی را اولویت دوم، مهارت های همسررداری را اولویت سوم و مهارت های فرزندپروری را اولویت چهارم خود قرار دهیم.